

حکایاتی از خرقه ای مبارک!



پیوسته به گذشته بخش چهارم فصل سوم

در تکمیل بحث قبلی یادداشت های خود بودم که ناگهان صدای آشنای یک ساحر معلوم الحال تاریخ معاصر افغانستان به گوشم رسید که می گفت لویه جرگه یک عنعنه دست کم سه صد ساله در تاریخ باستانی افغانستان جا یگاه و مقامی دارد و هرگاه افغانستان با دشواری ها و معضلات پیچیده ملی روبرو شده است لویه جرگه نقشه راه بیرون رفت از بحران را ترسیم نموده است .

<http://www.dailymotion.com/video/x6azzln>

با خود گفتم، عجب ! این چه موجود حقه باز و مارمولک زرنگی هست ؟ با این همه پررویی و غارت و دزدی هنوز هم شتر اش خواب های پنبه دانه را می بیند ! بدنیست اکنون یک ویدیو کلیپی از سخنان و فرمایشات این جادوگر ماهر مبنی بر وابسته گی اش با شبکه های جاسوسی دنیا ببینیم و بشنویم و برویت آن قضاوت کنید که اگر در کشور دیگری و شرائط ماسوا از آنچه که بر کشور افغانستان آمده است یکی از رجال حکومت آن کشورها و جوامع با چنین صراحت اعتراف بر جاسوسی برای بیگانه گان کند با چه نوع مجازاتی محکوم خواهد شد ؟

<http://www.dailymotion.com/video/x6av4ey>

اما آنچه که در این میان برایم موجب تعجب و تأسف شد این بود که در حلقه تیوری پردازان این شاید بینظیر تاریخ افغانستان رجال روشنفکر نمایانی آنهم از جنس فرانکفورتی چون آقای دادفر سپینتا و دیگر اذنان شان نیز به مشاهده می رسند که گویا برسرخان ناب و گهر بار حضرت شیاد مهر تائید میگذارند تعجب و تأسفم از اینجاست که با چه منترو اذکاری کسانی را که سالهای سال با ادعای کمتر از عدالت اجتماعی و اقتصادی برای ستمدیده گان بویژه کارگران خلاق جامعه راضی نبودند حضرت ساحر کرزی همه شانرا بر عقب خود کشاند ؟

<http://www.dailymotion.com/video/x6b05ry>

و چگونه دستهای پنهان دشمن که شب و روز همچون خناس در دل های از مبارزان و آزادی خواهان اصلاح طلب و سوسه می افگند ، موفق شده اند که در میان طیف وسیعی از مجاهدان تا این اندازه بدبینی و نفرت بپراکنند ؟



برخی از این روشنفکر نمایان و نویسندگان " **روایتی از درون** " چون حصار نا مرئی و لی معلومی که از سالها قبل برگرد شاید بزرگ تاریخ کشیده است و اینک می بینیم که آن حلقه هر روز تنگ تر میشود و تسخیر ناپذیرتر !



اما چرا قندهار ؟

یکی از اقدامات حساب شده در سال های اخیر یادآوری و افتخار بر تاریخ نیاکان و بزرگان تمدن و فرهنگ باستانی ما بوده است که از آنجمله وجود تاریخی احمد شاه بابای درانی از افتخارات و داشته های دست نا خورده تاریخ کشور ما میباشند اما برای عده ای یادآوری از آن دوره تاریخ قسمتی از آن دوره حائز اهمیت است که به شیوه به قدرت رسانی احمد خان درانی در زیارت شیر سرخ تعلق دارد و مرد درویش مزاجی بنام صابر شاه خوشه ای از گندم را بر سر احمد خان ابدالی گذاشت و هیچکسی در برابر آن قد علم نکرد .



از نظر حامد خان کرزی این شاید بزرگ تاریخ افغانستان حرکت زمان و مکان ساکن و ساکت بوده و میتواند که یکبار دیگر داستان بنیانگذاری احمد خان ابدالی را بصورت تراژدیک و کمیک با هزینه های ناچیز و قلیلی در قرن بیست و یکم تکرار کند تا شاید باز هم درویشی با خوشه های از گندم وبصورت مصنوعی خوشه ای را بر سر حامد خان کرزی بماند !! و حاضران نیز علی الرغم نمایش مصنوعی تن ندادن حامد کرزی به مسئولیت خطیر زمام امور از حامد خان کرزی داروغه بازنشسته و درعین حال عامل اکثریت بدبختی های امروز مصرانه بخواهند و شعار دهند که باید زمام امور جامعه را در دست گیرید

<http://www.dailymotion.com/video/x6avbb6>

کمیدی ممانعت عطا مد خان نور والی بلخ از سوی حکومت !

شاید کمتر کسی نداند که استاد عطا محمد نور والی دایم العمر بلخ و متولی روضه شریف نه از امروز و دیروز بلکه از بسیار دیر بدینسو از لحاظ مشروعیت و قدرت نسبت به هر یکی از سران رژیم کابل دارای پایگاه مستحکمی بوده است روی همین معادله نیز از چندین سال بدینسو در مقام ولایت بلخ و تولیت روضه شریف اجرای وظیفه میکنند و مشغول جاروب دالر و ساخت و ساز شهرکهای بلند منزل است . باری آنگاه که دردوران داروغه گی حامد خان کرزی وقتی گفت که اگر در انتخابات سال ۲۰۰۹ ریاست جمهوری افغانستان در نتیجه تقلب ماسوا از عبدالله کسی دیگری به قدرت رسد



و مردم سمت شمال دست به قیام زنند مسئولیت آن بصورت مستقیم متوجه آقای حنیف اتمر وزیر داخله خواهند بود که به گفته آقای نور وی در مسائل سمت شمال مداخله مستقیم دارد .!! وقتی این اظهارات **اتا مد خان نور** از رادیو ها و سائر شبکه های اطلاعاتی به نشر رسید باتوجه به موقعیت حساس ولایت بلخ که همجوار کشورهای آسیای میانه است انگلیس های که در ولایت هلمند حضور نظامی داشتند طبق گزارشهای موثق مخالفان و نیروهای حکومت کابل را گروه ، گروه توسط طیاره های جنگی انگلیسی که از هلمند برخاسته بودند در زون شمال که رهبری آنرا مجتبی پتنگ یکی از مهره های انگلیسی بر عهده داشت جابجا می ساختند ، و آقای عطا محمد نور حتی بصورت واضح نه گفت که هیچکسی به شمول والی بلخ صلاحیت باز دید از زون شمال را نداشت در حالیکه میدانست مخالفان توسط طیاره های انگلیسی در لباس سربازان امنیت عامه جابجا میشوند ،



این بار نیز آقای عطا محمد نور بهتر میدانست که پس از ۹ بجه شام میدان هوایی قندهار در اختیار نیروهای ناتو قرار دارد و هیچکسی با هیچ طیاره ای و با مجوز هر قدرتی نه میتوانند پس از ساعت نه شام بر فراز میدان هوایی قندهار ظاهر شوند . حضرت متولی روضه شریف با ژست حق به جانب گونه ای از طیاره پائین آمد و در حالیکه میدانست کجا باید برود در پیشگاه خبرنگاران حضور یافت و

از ممانعت اش تو سطران حکومت سخن گفت که گویا برای وی اجازه اشتراک در آن جلسه روحانی سیاسی ای که قرار بود در شهر تاریخی قندهار تدویر یابد داده نه شد . این خبر بصورت تکمیلی از امواج صوتی خبرگزاریها منتشر نه شده بود که واکنش های جدیی برخی از اشتراک کننده گان را برانگیخت و از آن جمله همایون همایون نمائنده مردم خوست در پارلمان افغانستان که گفته میشود با باندهای مافیائی روسیه نیز ارتباط دارد ، همچنان ظاهر قدير عضو پارلمان و نمائنده مردم ننگرهار به حکومت وحدت ملی ۱۲ ساعت فرصت داد تا اگر عطا محمد خان نور والی بلخ را که یکی از رجال برجسته دعوت شده به این گردهم آئی بود در جلسه حضور نه یابند مسؤلیت اقدامات بعدی بدوش حکومت وحدت ملی خواهد بود ،

<https://www.youtube.com/watch?v=S6GdL1KIAQ8>

این هوشدار و ضرب الاجل برای حکومت درحالی داده شده بود که ظهر همان روز مولانا فرید یکی از نزدیکان عطا محمد نور در میز گردی که به سلسله تأثیر و دست آورد های اجلاس قندهار توسط تلویزیون اریانا و با مدیریت ژورنالیست فعال کشور آقای محمد نصیر فیاض تدویر یافته بود بصورت واضح و باتأکید گفته بود که آقای عطا محمد نور در بلخ است و قرار نیست در اجلاس قندهار شرکت جویند .!

<http://www.dailymotion.com/video/x6avbbx>

با ختم این برنامه تلویزیونی که آقای مولانا فرید با چنین ایستادگی از عدم اشتراک متولی روضه شریف سخن گفته بود همه دانستند که اظهارات شرکت کننده گان در این اجلاس نوعی آژیر شکست و ناکامی مطلق اجلاس قندهار را میرساند و هیچ آگاهی که مسائل افغانستان را دنبال میکردند به نتایج شورای قندهار دل نه بسته بودند .

پایان اجلاس قندهار و صدور قطعنامه شکست !

بالاخره روز موعود اعلام شکست فرارسید و مراسم اختتامیه برای اعلام قطعنامه شکست ترتیب یافت و قطعنامه ای نیز که در واقع وصیت نامه باید نامید از سوی گرداننده گان آن نمائیش کمیک منتشر شد ، در بخشی از آن قطعنامه مهم اجلاس می خوانیم : امروز در این گردهمایی بزرگ جمعی از جریانهای سیاسی، احزاب سیاسی، نمایندگان مردم در ولسی جرگه، به دنبال جلسات پیهم قبلی، به خاطر مشورت و دریافت راه حل در ولایت قندهار گردهم آمدند و پس از تحلیل و ارزیابی اوضاع جاری کشور در سطوح گوناگون به این نتیجه رسیده اند:



۱- نهادینه کردن دموکراسی بدون به وجود آوردن شفافیت در پروسه های انتخاباتی، ممکن نیست. ما به این باور هستیم که کمیسیون های موجود توانایی برگزاری انتخابات شفاف، آزاد و عادلانه را دارا نیستند. زیرا رییس حکومت وحدت ملی، خودش عملا در پروسه انتخابات مداخله کرده و افراد معین و مشخص را از طریق کمیته گزینش به عنوان کمیشنر تعیین و مقرر می کند. درحالیکه ما خواهان تعیین کمیشنران بی طرف و غیر وابسته در مشورت با جریانهای سیاسی و اپوزسیون کشور هستیم. در صورتیکه حکومت به این خواست ما، تا دوماه آینده پاسخ مثبت ندهد و یا دروازه های گفت و گو و

مشورت را باز نکند در آن صورت، اشتراک کنندگان این نشست بزرگ مردمی کندهار، حرکت‌های بزرگ مدنی را در سراسر کشور علیه حکومت سازماندهی خواهند کرد.

۲- حکومت سه سال است که برگزاری انتخابات پارلمانی را به تاخیر انداخته است و در این رابطه ضیاع وقت میکند. اشتراک کنندگان نشست امروز خواهان برگزاری انتخابات پارلمانی در تابستان سال ۱۳۹۷ و انتخابات ریاست جمهوری در بهار ۱۳۹۸ هستند.

